

نویسنده : کریم پیکار پامیر

وها بیت و تروریسم جهانی

قسمت سوم.....

کارنامه های محمد بن عبدالوهاب و آل سعود

احیای سفلیسم توسط محمد بن عبدالوهاب بعنوان مذهب جدید برای آل سعود چنان جذبه داشت و به حدی به سود آنها تمام شد که پس از مرگ بنیانگذار آن، وها بیت تحت شمشیر خونچکان فرزندان ابن سعود (عبدالعزیز و اخلاف وی) و نیز پیروان خشن و خشک مغز این مذهب نو بنیاد، رفته رفته به ابزار ترور، قتل عام، غارت دارایی های مردم و سختگیریهای بی نظیر ایدئولوژیک علیه دگراندیشان گردید. مثلاً، عبدالعزیز جانشین ابن سعود در سال 1801 میلادی، پس تصرف شهرهایی در داخل عربستان، با بیست و پنجهزار شمشیردار تشنه خون، اعم از افراد عشایر جنوب و تهامه و حجاز و غیره به سوی کربلا هجوم بُرده با بلند کردن شعار " اقتلو المشرکین "، دست به کشتار بیرحمانه مسلمانان زدند. باساس آماری که ثبت تاریخ شده است، به تعداد پنجهزار مسلمان اهل تشیع و اهل تسنن، اعم از خورد و بزرگ را در یک روز از دم تیغ گذرانیدند، هزارها انسان را زخمی و معلول و معیوب نمودند، گنبد آرامگاه امام حسین را تخریب کرده هر آنچه از جنس طلا و جواهر و فرش و ظرف و اشیای قیمتی در آن بود، به غارت بردند.

قرار نوشته " رابرت دریفوس"، این دومتحد سیاسی - مذهبی، تنها در سالهای 1920م با اقدامات مشترک و بیرحمانه نظامی خویش، " چهارصد هزار انسان را به قتل رسانیدند، چهل هزار نفر را به پای چوبه دار کشتانیدند و دست و پای سیصد و پنجاه هزار نفر را قطع کردند..."

این لشکر خونریز، هرچند پس از قتال وسیع و غارت کربلا، سوی نجف، شهر مقدس دیگری در خاک عراق نیز حمله ور شدند، ولی اهالی آنجا که از وضعیت خونین کربلا آگاهی حاصل نموده بودند، به مقاومت مرگ و زنده گی پرداخته و هابی ها را به عقب گرد وادار ساختند. یک مؤرخ سعودی بنام عثمان بن بشیر نجدی که در موقع حمله بالای شهر کربلا حاضر بوده است، چنین مینگارد: " ماکربلا را تسخیر کردیم و سلاخی نمودیم و مردمش را به بردگی گرفتیم. الحمد لله رب العالمین ما برای این موضوع عذر خواهی نمیکنیم و به کفار میگوییم سر نوشتی مشابه در انتظار آنهاست. "

لشکر خونریز و هابی های سعودی همچنان در سال 1217 هجری قمری به فرماندهی عثمان مضایفی، بالای شهر طایف واقع در نزدیکی های مکه حمله ور شده به قتل و غارت عمومی متوسل گردیدند. یکی از محققان بنام جمیل صدقی زهاوی در مورد فاجعه طایف چنین نگاشته است: " از زشت ترین کارهای وهابیان، قتل عام مردم بود که به کوچک و بزرگ رحم نکردند، طفل شیرخواره را روی سینه مادرش سر بُریدند، جمعی را که مشغول فرا گرفتن قرآن بودند، کشتند و چون در خانه ها کسی باقی نماند، به مغازه ها و مساجد حمله کردند و هر کس رایافتند، حتی گروهی را که در حال رکوع و سجود بودند، کشتند، به حدی که تمام مردم این شهر را به خاک و خون کشیدند و شمار اندکی از پیرمردان و زنان باقی مانده را از شهر طایف اخراج کردند و به وادی وج بُردند و در برابر سرمای شدید، بدون غذا و لباس رها کردند. همچنان کتابها را که در میان آنها تعدادی قرآن و نسخه هایی از صحیح بخاری و مسلم و دیگر کتابهای فقه و حدیث بود، در کوچه و بازار افگندند و آنها را پامال کردند."

یکسال پس از همین " فتح و پیروزی " خونین بود که لشکر وهابیان بالای شهر مکه هجوم بُردند و همینکه اهالی مکه در برابر بیرحمی های آنها تسلیم شدند، شروع کردند به تخریب قبور بزرگان صدر اسلام مانند قبر ابو طالب، عبدالمطلب، خدیجه و مجموع گورستان "جنت المعلی" و سایر بقعه ها و نشانه های مورد احترام مسلمانان.

و هابیان در سال 1220 هجری قمری به سوی مدینه هجوم بُردند و برای مدتی شهر را در محاصره گرفتند و پس از تصرف شهر، در آنجا نیز هر آنچه بنام آرامگاه و بُقعه و نشان از اماکن مقدسه اسلامی بود، بخاک یکسان نمودند. آنها میخواستند آرامگاه پیامبر اسلام را نیز ویران کنند، ولی با دخالت آل سعود و ملاحظات جهانی از اینکار منصرف شدند.

وهابی های عربستان سعودی، علاوه از سایر ویرانگریها، بیرحمی ها و خونریزی های وحشتناک شان، یکی از کتابخانه های بسیار غنی و عظیم بنام " المكتبة العربية " را که گفته شده در آن، بیش از شصت هزار جلد کتب مختلف النوع و بیش از چهل هزار نسخه خطی منحصر به فرد مربوط به دوران جاهلیت و قرار داد های فی مابین کفار قریش و یهودیها برضد پیامبر اسلام و امثالهم وجود داشت نیز به آتش کشیدند.

اینک، فهرست کوتاهی از آنچه از آثار و اماکن مقدس و تاریخی اسلام را در اینجا درج میکنیم که توسط فرقه وهابی و آل سعود در خاک عربستان منهدم گردیده اند:

آرامگاه یسع در روستای اوجام واقع در قطیف

بقایای خندق مربوط به جنگ مسلمانان در مدینه

نخستین منزلگاه پیامبر (ص) پس از هجرت در شهر مدینه

مسجد و آرامگاه حضرت حمزه

آرامگاه عبدالله پدر پیامبر (ص)

آرامگاه ابوطالب پدر حضرت علی

مسجد سلمان در مدینه

آرامگاه عبدالمطلب جد پیامبر (ص)

خانه یی که پیامبر در آن تولد شده بود، واقع در مکه

مسجد شمس در مدینه

بارگاه شهدای بدر

خانه یی که امامان (حسن و حسین) در آن تولد شده بودند

دیوار قدیمی اطراف شهر مدینه

البته اسمای شامل این فهرست، نمونه کوچکی از مجموع ویرانگریهای وهابیان در دو شهر مقدس مکه و مدینه تلقی شده میتواند، ورنه ده ها اسم دیگری نیزبایستی بر این فهرست افزود.

باید متذکر شد که وهابی های عربستان سعودی، بر بنیاد برنامه های سیاسی – اطلاعاتی استعمار انگلیس در منطقه و پس از حصول پیروزی هایی در نجد و ریاض و مکه و مدینه و حجاز و سواحل خلیج فارس، چنانکه طی صفحات قبلی نیز تذکر داده شد، در عین حال شعار اتحاد قبایل عربستان، وحدت عرب، استقلال خواهی و مبارزه علیه امپراتوری عثمانی را نیز بلند نمودند که یکی از خواسته های مهم استعمار انگلیس بود. بنابراین کلیه این تحرکات و اقدامات نظامی و تبلیغاتی آنها، با پشتیبانی مالی، سیاسی و اطلاعاتی انگلیسها توأم بود؛ زیرا هر پیروزی و پیشرفت وهابی ها، استعمار پیر اروپایی را یک قدم به هدف های از قبل تعیین شده آن نزدیکتر میکرد. مثلاً، یکی از جواسیس دیگر بریتانیای کبیر بنام " سنت جان فیلیپی " که در واقع، افسر سازمان اطلاعاتی (ام. آی. 6) آن کشور بود، نه تنها وظیفه داشت همیشه در کنار ملک عبدالعزیز باشد، بلکه وی در ارتباط تنگاتنگ با محمد بن عبدالوهاب، " همفر"، " لارنس" و سایر جواسیس وزارت مستعمرات انگلستان در منطقه، سعی خسته گی نا پذیر بخرچ میداد تا ویروس خشونت مذهب وهابی و خصومت در برابر اهل تشیع و سایر فرق اسلامی را در مغز و روان آل

سعود تزریق نماید. این تلاش و نزدیکی " فیلبی " تا بدانجا ادامه یافت که حتا بگونه تاکتیکی به وهابیت نوظهور پیوست و نام " شیخ عبدالله " را برای خویشان برگزید و مشاور بسیار محرم ملک عبدالعزيز گردید.

ابن عبدالعزيز، چنان تحت تأثیر عظمت نظامی، قدرت مالی و فعالیت های استخباراتی استعمار بریتانیا و شوکت یابی سیاسی در پناه حمایت های آن کشور رفته بود که طی یکی از پیام های تلگرافی اش عنوانی دولت بریتانیا، چنین مینویسد :

" آقای من ! سرپرسی کوک نماینده بریتانیای کبیر، عزتش مستدام باد! ورود سپاه بزرگ انگلیسی شما به عراق، پیروزی آشکار برای مسلمین و عزت و جاه برای ماست. بزرگی و خدمات ما را برای بریتانیای بزرگ و دوستی و صمیمیت ما را برای همیشه بپذیرید. نوکر شما : امیرنجد و عشایر آن عبدالعزيز آل سعود "

ودرجای دیگر، سرسپرده گی اش به استعمار انگلیس و خیانت به حق مردم مسلمان فلسطین را اینگونه ابراز میدارد:

"من سلطان عبدالعزيز بن عبدالرحمن الفيصل آل سعود اقرار میکنم برای " سرپرسی کوک " نماینده بریتانیای کبیر، ازطرف من مانعی نیست که فلسطین را به مسکینان یهود و یا غیر یهود که بریتانیا بخاهد، ببخشم. از زیر پرچم بریتانیا بیرون نخواهم رفت تا روز قیامت. "

این نکته را نیز باید متذکر شد که وهابیان، پس از لشکرکشیهای عثمانیها در سالهای 1812-1815 و 1818م به شکستهای سختی در داخل عربستان نیز مواجه شدند. لشکر عثمانی، شهرهای متصرفه توسط نیرو های وهابی مانند نجد و دُرعیه و ریاض و مکه و مدینه را مجدداً تسخیر کردند و شهر نجد، مرکز وهابیت آل سعود را بخاک یکسان نمودند. پس از آن بود که وهابی ها بقیه سالهای قرن نهم را از نظر سیاسی در حال نیمه جان در صحرا های عربستان سپری نمودند و حاکمیت خون و خشونت آن ها تا مدتی در هاله یی از سکوت نسبی فرو رفت. اما، در نتیجه تلاشهای پیگیر محمد بن عبدالعزيز، اخلاف محمد

بن عبدالوهاب و حمایت های بی انقطاع مالی و نظامی بریتانیا، باز هم آل سعود با اندیشه های وهابیت احیا گردید. بویژه در قرن بیستم، بخصوص پس از جنگ اول جهانی، تضعیف و تلاشی امپراتوری عثمانی و باز شدن پای ابر قدرت تازه نفس (ایالات متحده امریکا) به خاور میانه و استخراج نفت از سینه صحاری آن کشور، جنبش وهابیت در زیر عبا و قبای آل سعود جان دو باره گرفت. بخصوص پس از سالهای 1970 میلادی و با تراکم ثروت هنگفت ناشی از فروش نفت، این جنبش مذهبی فتنه انگیز، به گسترش بیشتر پرداخت تا آنکه، در سالهای اخیر، مرز کشور سعودی را عبور نموده بصورت شتابنده یی به سوی سایر کشورهای اسلامی خاور میانه و حتا کشور های آسیایی و افریقایی می تازد. گفتنی است که تأسیس سلطنت وهابی آل سعود، سه مرحله تاریخی - نظامی آتی را سپری نمود تا استوار و مستحکم شد :

1- از 1744 تا 1818 میلادی: طی این مدت، آل سعود توانست سراسر خاک عربستان را به تصرف خویش در آورد. مگر چون سرپای حاکمیت آنها را بیماری هویتی دربر گرفته بود، بنابراین، با مخالفت های جدی کشور های خارجی، بخصوص مورد حمله امپراتوری عثمانی به فرماندهی محمد علی پاشای مصری قرار گرفت و راه اضمحلال پیمود.

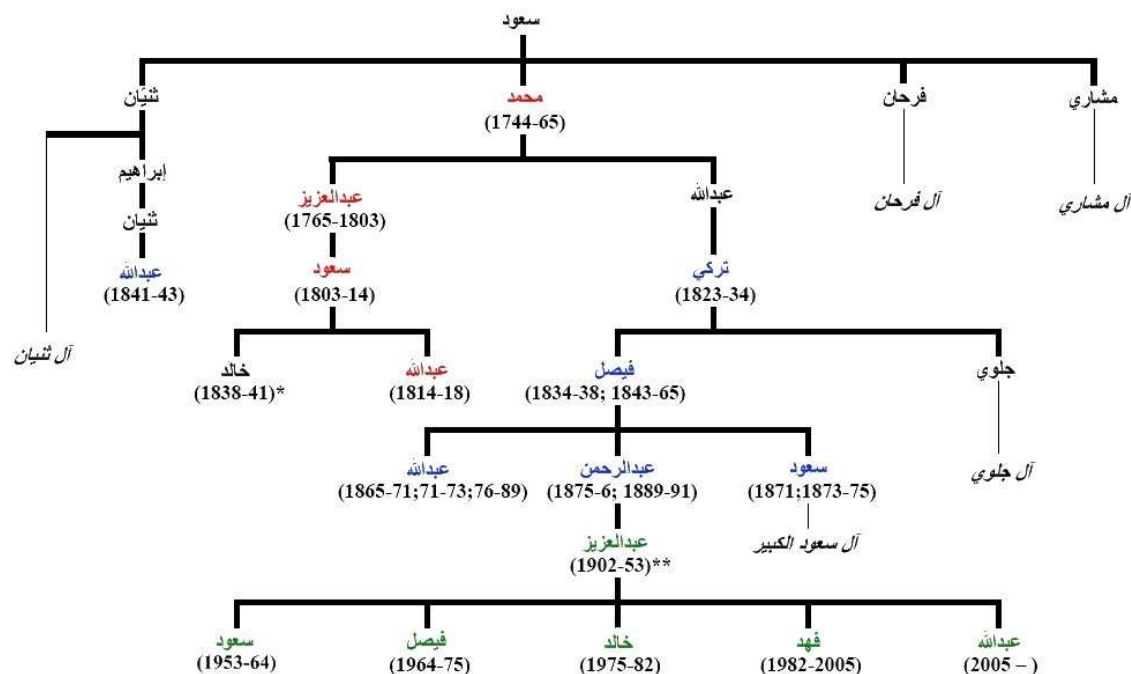
2- از 1824 تا 1887 میلادی : طی این سالها، باز هم آل سعود موفق شد منطقه نجد، واقع در عربستان مرکزی را متصرف گردیده و بر وهابیس مطلق تکیه نماید. ولی با نزاع ها و اختلافات درونی مواجه شد و توسط نیرو های " رشید پاشا " منقرض گردید.

از 1932 تا امروز: دولت آل سعودی در مرحله سوم فرود و فراز سیاسی - نظامی خویش، توسط عبدالعزیز بن سعود در سال 1932م و پس از جنگها و تلاشهای طولانی و اما، با پشتیبانی آشکار استعمار برتانوی تأسیس گردید و پس از تصرف ریاض، نفوذ و حاکمیت اش در آن سر زمین سراسری شد.

البته هردوره از سه دوره مذکور، توضیح و تفسیرِ خاصِ خودش را دارد که هرگاه به همه آنها بپردازیم، سخن به درازا خواهد کشید. پس اینک نسب نامه آل سعود را در اینجا درج میکنیم تا خواننده با ملاحظه آن، به کُنه هستی این خانواده پی برد:



ملک عبدالعزيز فرزند محمد بن سعود سرسلسله آل سعود



این موضوع نیز گفتنی است که باری ملک عبدالعزیز در دهه دوم قرن بیستم، با موجی از اعتراضات و اقدامات خشونت بار بخشهایی از وهابی های تندروتر در چارچوب سلطنت آن کشور، بخصوص با مخالفت مسلحانه شبه نظامیان وهابی که در خدمت شاه بودند، مواجه شد. این مخالفت ها، عمدتاً در اعتراض به پدیده های تکنالوژی و دانش جهان غرب مانند تمديد تلفون و تلگراف، احداث شوارع و بکار گرفتن بخشهای دیگری از فرآورده های علمی مورد نیاز استعمار اروپایی در خاک عربستان بود که به زعم شورشیان رجعتگرای وهابی، " این بدعت ها " به معنای دور شدن از اندیشه های احمد بن حنبل، ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب تلقی میشد. این شورشها و مخالفت های مسلحانه، عاقبت در سال 1929 میلادی توسط آل سعود سرکوب شد و در سال 1932م رژیم سلطنتی خود کامه سلسله سعود باز هم در پناه فتوا ها و اندیشه های آل شیخ (بازمانده های محمد بن عبدالوهاب) و بالای استخوانهای کشته شده های بیشمار بنا نهاده شد و آهسته آهسته به سوی استحکام حرکت نمود. از آن زمان تا کنون، همان پیمان دوجانبه آل سعود

با آل شیخ پا برجاست؛ یعنی جلو سیاست و کیاست در کف آل سعود و قبضه امور مذهبی و قضا و فتوا در ید اخلاف بنیانگذار و هابیت میباشد.



Jendral Badui, Ibn Saud, Prince Husein, Muhammad bin Abdul Wahab, Sir Percy Cox

محمد بن سعود نشسته در وسط، محمد بن عبدالوهاب (ایستاده به سمت چپ وی) و سرپرسی کاکس نماینده انگلیس (نفر آخر سمت چپ)

حال باید گفت که نام رسمی این کشور، " المملکت العربیة السعودیة " است که با دومیون و یکصد چهل و نه ملیون کیلو متر مساحت، تخمین 27 ملیون نفوس (16 ملیون افراد بومی و بقیه اتباع خارجی) را در خود جا داده است. عربستان سعودی، در جنوب با اوقیانوس هند، خلیج عدن، حَضَرَت الموت، عُمان و یمن، از غرب با دریای سرخ، از شمال به اردن و عراق و از شرق به کویت، قطر، امارات متحده عربی، بحرین، ابوظبی، خلیج فارس و شارجه هم مرز است و از نظر مساحت نیز یکنیم برابر ایران، سه برابر فرانسه و چهار برابر عراق میباشد. عواید سالیانه این کشور از مدرک استخراج و فروش نفت، مبلغ 17میلیارد دالر گفته شده است .

عربستان سعودی دارای سیزده ایالت است مانند ماحه، تبوک، جاران، گجوف، حائل، حدود شمالی، ایالت شرقی، ریاض، عسیر، قصیم، مدینه، مکه و نجران.

فراموش نباید کرد که قبل از عروج آل سعود، شهرهای مقدس مکه و مدینه در اختیار " شریف حسین"، (نیاکان "ملک حسین" پادشاه متوفای اردن بود) اما فعل و انفعالات سیاسی - مذهبی - نظامی اوایل قرن بیستم و جنگهای فرسایشی و خونبار میان نیرو های آل سعود و " شریف حسین"، استعماربرتانوی را وادار نمود تا جغرافیای جدیدی بنام " اردن" را در خاور میانه و در انتهای غربی قلمرو عربستان سعودی ایجاد نموده آل شریف حسین را در آنجا به حاکمیت برساند که این سلسله تا امروز ادامه دارد.



ستاره بخت آل سعود وقتی بیشتر درخشیدن گرفت که فرانکلین روزولت رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در سال 1945م یعنی در سالهای پایانی جنگ دوم جهانی، بنابر نیاز آن کشور به نفت و گاز، با ملک عبدالعزیز در کشتی جنگی امریکایی بنام (یو.اس.اس. کونسی) در کانال سویس ملاقات بعمل آورد و یک قرار داد مخفی میان دو کشور به امضا رسید. متن و مفاد قرارداد میگفت که عربستان سعودی منابع نفتی اش را با حفظ مصوونیت در اختیار امریکا قرار میدهد و ایالات متحده آمریکا بالمقابل، بقای سلطنت آل

سعود و امنیت قلمرو او را تضمین مینماید. مقادیر این قرار داد تا امروز، مورد احترام هردو جانب بوده و با جدیت مرعی الاجرامیباشد.

بر همین بنیاد است که علی رغم آنهمه افراطگرایی، دهشت فزایی و تروریست پروریهای آل سعود و همه گونه نقض آشکار حقوق بشر، حقوق زنان، سربریدنها، ظلمت گستردها، حمایت مالی و سیاسی از گروه های طالبان، الشباب، بوکوحرام، القاعده و داعش که از سوی وهابیانی اورنگ نشین سعودی صورت می گیرد، باز هم نه تنها اندکترین اعتراضی از سوی ابر قدرت امریکا به مشاهده نمیرسد، بلکه مورد حمایت های جدی و دایمی آن نیز قرار دارد.



روزولت رئیس جمهور وقت امریکا حین ملاقات با ملک عبدالعزیز در داخل کشتی جنگی

در سال 1945 میلادی

این نزدیکی سیاسی – اقتصادی و این رابطه خاص دوجانبه میان ایالات متحده امریکا و عربستان سعودی به حدی عمیق و دقیق است که حتا واقعه تروریستی خونین یازدهم

سپتمبر که در نتیجه نقش عمده پانزده تن از شهروندان سعودی انجام داده شد و با آنکه حمایت فکری و مالی مقام های آل سعود از این برنامه تروریستی محرز گردید، باز هم مقام های امریکایی خم برابر و نیاورده و هیچگونه فشاری بالای رژیم وهابی آن کشور وارد نکردند.

آل سعود قبل از عقد قرارداد دوجانبه با ایالات متحده امریکا، قرارداد دیگری نیز با انگلستان به امضا رسا نیده بودند که بروقی آن، جانب سعودی تعهد سپرده بود نفت آن کشور را انگلستان استخراج نموده و آنرا بگونه خاص و انحصاری خریداری نماید و بالمقابل، مقام های انگلستان متعهد شده بودند که در برابر حصول چنین امتیاز اقتصادی-سیاسی، از بقای خاندان سعود و امنیت عربستان حمایت سیاسی - نظامی بعمل آورند. مفاد این قرارداد نیز تا امروز مورد احترام و رعایت هر دوجانب میباشد.

برخی از دانشمندان اموردینی و تحلیلگران تاریخ اسلام، وهابی ها را همسان و همفکر خوارج میدانند که در زمان علی بن ابی طالب ظهور کردند و در واقع، نخستین گروه تکفیری در مسیر تاریخ اسلام شمرده میشوند. این دانشمندان و تحلیلگران میگویند، خوارج بودند که مخالفان شان را کلاً کافر و مشرک میخواندند، کسانی را که به نفع آنها مایل به جنگ نبودند، نیز کافر میگفتند، سرزمین مخالفان شان را " دار الکفر " و باشند ه های آنرا " واجب القتل " و زنان و فرزندان شان را " مباح الدم " میدانستند .

محمد بن عبدالوهاب نیز با همین ساده گی حکم تکفیر علیه مسلمانان را صادر میکرد و خون آنها را به سهولت تمام به زمین می ریخت. مثلاً میگفت : " هر کس شهادتین را بخواند، مگر از مرده گان استعانت کند، کافر و مشرک است و خون و مال او حلال "